

متن پرسش

این کاخ بی‌نشان گشوده تو نیستی / ای خاک! این جهان گشوده تو نیستی / این انقلاب، لطف بزرگ خدا به ماست / ای هدهد! آسمان گشوده تو نیستی / با کاروان قبله سیاحت چه باصفاست / در بین کاروان گشوده تو نیستی / عرشی است روی آب که آب است ریشه‌اش / این عرش بی‌کران گشوده تو نیستی / بنگر مناره‌های طلایی به روی آب / این آب جاودان گشوده تو نیستی / جاریست نه‌ری از عسل، آنی که شور ماست / این شور و شوق جان گشوده تو نیستی / خوش باش مثل مور در این خرمن عظیم / از حق بگو؛ لسان گشوده تو نیستی / سنوار کیست؟ بانگ اذان درون ما / بانگ خوش اذان گشوده تو نیستی / دل‌های پیر دفعه‌ی دیگر جوان شدند / ای پیر! این جوان گشوده تو نیستی / تاریخ با ولایت حیدر گشوده شد / ای شیعه! این زمان گشوده تو نیستی / تقدیر ماست «سید صبر و مقاومت» / این کاخ بی‌نشان گشوده تو نیستی / ۲۷ مهر ۱۴۰۴

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این‌طور از سرودۀ جنابعالی فهمیدم که آری! مواجهه‌ای است که هرکس با خود دارد از آن جهت که میدان‌های گشوده را در مقابل خود یافته، هر کدام از آن میدان‌ها گشوده‌تر از آن است که ما کاملاً در آن قرار بگیریم. باز باید جلو و جلوتر رویم. کاروان گشوده‌ای که باید برای حضور در آن بیشتر و بیشتر جلو رفت تا بانگ اذان سنوار را که رازِ این زمانه است، بشنویم به همان معنایی که سید صبر و مقاومت شنید و نسبت به هفت اکتبر بی‌تفاوت نبود. موفق باشید